

عصر جهانی شدن و تاثیر گرایش‌های قومی بر امنیت ملی ج.ا.ایران

محمدحسین الهی‌منش، شهریار برقی، بهروز فولادی^۳

چکیده

جهانی شدن فرآیندی اجتناب‌ناپذیر و ناگزیر است که به منزله بین‌المللی شدن و از بین بردن مرزهای جغرافیایی است. امروزه، جهانی شدن به منزله آشکارترین روندها در همگرایی کشورهاست که مهمترین بعد آن، حفظ امنیت ملی کشورها است. این پژوهش با هدف بررسی جهانی شدن و تاثیر گرایش‌های قومی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. جهانی شدن بعنوان یک متغیر مستقل، از طریق فرصت‌ها و تهدیدهای جدیدی که فراروی دولت‌ها قرار داده نوعی معمای امنیتی را مطرح ساخته است. فرصت‌ها و تهدیدهای جدید امنیتی، از یکپارچگی و وابستگی متقابل حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی نشأت می‌گیرد. در حوزه قوم‌گرایی همچون سایر حوزه‌ها، فرآیند جهانی شدن می‌تواند تاثیرات متفاوت و بعضاً متعارض بر جای بگذارد. برخی از صاحب‌نظران، قائل به در آمیختگی و حتی استحاله خرده فرهنگ‌ها و هویت‌های قومی، محلی و ملی در فرهنگ غالب و مسلط جهانی هستند، اما در مقابل، عده‌ای از اندیشمندان، فرآیند جهانی شدن را سبب‌ساز افزایش گرایش‌ها و تمایلات قومی، محلی و ملی می‌دانند. بنابراین جهانی شدن می‌تواند در صورت غفلت حکومت، از طرف اقوام مختلف در کشورهای مختلف که اشتراکات قومی با یکدیگر دارند، باعث تهدید و آسیب‌پذیری امنیت ملی کشور شود، وجود اقوام هم‌آئین در کشورهای همسایه و رابطه آنها با یکدیگر، دخالت عوامل بیگانه، موقعیت مرزی اقوام و ... نیز می‌تواند تهدیدی برای امنیت ملی باشد.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، امنیت، قوم‌گرایی، ج.ا.ایران

^۱ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم shahryarbargi@yahoo.com

^۳ دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

مقدمه

جهانی شدن یک پدیده کثیرالوجه و چندوجهی است. یکی از ناکامی‌های محققان در ارائه تعریفی جامع از جهانی شدن، در همین چندبعدی بودن آن است. این چندوجهی بودن را هم در علل یا دلایل جهانی شدن و هم در پیامدها و بازتاب‌های جهانی شدن می‌توان مشاهده کرد. تحول ارتباطی جهان امکان دگرگونی‌هایی در فرهنگ را فراهم می‌کند. این بعد از جهانی شدن آثار و پیامدهای تناقض‌آمیزی دارد برجسته‌ترین نمود این تناقض و پیچیدگی در عرصه فرهنگ آشکار می‌شود فرآیند جهانی شدن نه تنها نوعی همگونی و ادغام فرهنگی در پی دارد، بلکه اسباب تنوع، واگرایی و رستخیز فرهنگی را هم فراهم می‌کند. فرآیند جهانی شدن نوعی بحران هویت و معنا در جوامع جهان پدید می‌آورد. افراد و اقشار گوناگون برای حل این بحران به روش‌ها و راهکارهایی متوسل می‌شوند که خاص‌گرایی فرهنگی در قالب‌های قومیت‌ها یکی از آنهاست. با برداشت مرزهای ملی قومیت‌های مختلف از فراسوی جهان به یکدیگر نزدیک می‌شود و به دنبال انسجام یکپارچگی قومی و فرهنگی هستند. تا جائیکه گاهی انسجام‌های قومی در سطح جهانی تهدیدی برای امنیت داخلی و خارجی کشورها می‌شود. نکته با اهمیت این است که در عصر جهانی شدن، چگونگی، سطح، کمیت، کیفیت و حتی ماهیت تعاملات و ارتباطات انسانی به کلی متحول و دگرگون شده و با گذشته قابل مقایسه نیست. از یکسو، جهانی شدن، امر ارتباطات و تعاملات جوامع انسانی را تسهیل می‌کند و از دیگر سو بر پیچیدگی‌های آن می‌افزاید.

۴۲

در حوزه قومیت‌ها همچون سایر حوزه‌ها، فرآیند جهانی شدن می‌تواند تأثیرات متفاوت و بعضاً متعارض بر جای بگذارد. در باب تأثیر فرآیند جهانی شدن در حوزه قومیت‌ها دو رویکرد اصلی و در عین حال متعارض وجود دارد. برخی از صاحب‌نظران، قائل به درآمیختگی و حتی استحاله خرده فرهنگ‌ها و هویت‌های قومی، محلی و ملی در فرهنگ غالب و مسلط جهانی هستند، اما در مقابل، عده‌ای از اندیشمندان مسائل اجتماعی و سیاسی، فرآیند جهانی شدن را سبب‌ساز افزایش گرایش‌ها و تمایلات قومی، محلی و ملی می‌دانند که بواسطه افزایش آگاهی‌های اجتماعی و از طریق بهره‌مندی از ابزار، امکانات و فرصت‌های ناشی از فرآیند جهانی شدن صورت می‌پذیرد. این مقاله درصدد است تا به بررسی وضعیت امنیت ملی جمهوری اسلامی بانوجه به تکثر قومیت‌ها بپردازد.

هرچند در طول چندین دهه، تجزیه و تحلیل حوادث و تحولات بین‌المللی در چارچوب نظریه‌های مرتبط با جنگ سرد انجام می‌گرفت، اما اکنون به بسیاری از این حوادث بایستی از منظر ملی‌گرایی و قوم‌گرایی نگریست. امروزه، قوم‌گرایی افراطی، منبع اولیه درگیری‌های مسلحانه خشونت‌بار در بخش‌هایی از جهان شده و فرسایش قدرت دولت-ملت‌ها را به دنبال داشته است. به بیان دیگر، ناسیونالیسم قومی در برخی از کشورها، یکپارچگی ملی و شیرازه جامعه را نشانه گرفته است.

نتایج یک پژوهش علمی نشان می‌دهد که تنها در ۱۴ کشور جهان، اقلیت قابل توجهی وجود ندارد، و در این میان، تنها چهار درصد جمعیت جهان در کشورهایی زندگی می‌کنند که تنها دارای یک گروه قومی هستند (Brown, 1993: 43). تقریباً نیمی از منازعات قومی که از سال ۱۹۸۹ یعنی همزمان با پایان جنگ سرد و آغاز نظم نوین جهانی روی داده‌اند، موجبات بروز بی‌نظمی و ناپایداری جدید در سطح جهانی را فراهم آورده‌اند (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۶۳). ضمن آنکه ماهیت این منازعات، غالباً فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی بوده است.

رقابت‌ها و منازعات قومی به هیچ‌وجه منحصر به کشورهای در حال توسعه نیستند. جدایی‌طلبان باسک در اسپانیا، ناراضیان ایتالیایی در جنوب تیرو، گرایش‌های ناسیونالیستی اسکاتلندی‌ها و ولزی‌ها در انگلستان، خشونت‌های دیرینه ایرلند شمالی، احساسات جدایی‌طلبانه ایالت کبک در کانادا، رقابت بین والون‌ها و فلمیایی‌ها در بلژیک و یا منازعه نژادی مستمر در ایالات متحده آمریکا نشان‌دهنده نقش تعلقات قومی بعنوان منبعی برای ایجاد منازعه و رقابت در بخش عظیمی از دموکراسی‌های فراصنعتی اروپای غربی و شمال آمریکا است. روند فزاینده منازعات قومی به حدی است که منازعات سیاسی و چارچوب‌های ژئوپلیتیکی را در سراسر جهان به چالش کشیده است. اهمیت موضوع قومیت‌ها برای ایران که دارای تنوع قومیتی بوده و در مجاورت کشورهای دارای مولفه‌های قومی-فرهنگی مشابه قرار دارد در مقایسه با سایر ۴۳ کشورها صد چندان است. در این ارتباط، اتخاذ سیاست‌های مناسب و لحاظ الزامات و مقتضیات متناسب با تنوع قومیتی ایران می‌تواند کشور را در قبال کشمکش‌ها و تنش‌های قومی مصونیت بخشد.

مفهوم جهانی‌شدن

اصطلاح جهانی‌شدن را به اشکال گوناگون و با تفاسیر مختلفی تعریف کرده‌اند. این مفهوم پس از تأسیس سازمان تجارت جهانی بیشتر از جنبه اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. اما برخی از صاحب‌نظران نیز جهانی‌شدن را از بعد سیاسی و فرهنگی آن مورد بررسی قرار دادند. فارغ از اینکه جهانی‌شدن را از بعد اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی تعریف کنیم، باید گفت که ریشه و مبنای لغوی آن برگرفته از واژه global به معنای سراسری، کلی و جهانی است. پس جهانی‌شدن در نگاه نخست، فرا گرفتن و گسترده شدن کل دنیا و سراسر جهان و تأثیرگذار شدن بر آن است.

اما آن چیزی که هم در معنای باستان و هم در ریشه لغوی global مشترک است، این است که این اصطلاح برای کلیت فراگیر و به هم پیوسته جهان بشری بکار می‌رود؛ زمانیکه تمامی جهان بعنوان پدیده یگانه‌ای شناخته می‌شود و می‌توان آن را به مثابه یک کل یا یک موجود به هم پیوسته دید. به همین دلیل نیز

globalization به جهانی شدن ترجمه می‌شود. آنگونه که مارتین آلبرو توضیح می‌دهد، پسوند ization زمانی بکار می‌رود که یک فرایند و دگرگونی اساسی در حال انجام است (سلیمی، ۱۳۹۲: ۲). مک‌گرو در خصوص جهانی شدن چنین می‌گوید: «افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی که فراتر از دولت‌ها و در نتیجه فراتر از جوامع دامن می‌گسترند و نظام جدید جهانی را می‌سازند. جهانی شدن به فرایندی اطلاق می‌شود که از طریق آن حوادث، تصمیمات و فعالیت‌های یک بخش از جهان می‌تواند نتایج مهمی برای افراد و جوامع در بخش‌های بسیار دور کره زمین در برداشته باشد» (اخترمحققی، ۱۳۸۶: ۱۶). عده‌ای از جهانی شدن اقتصادی صحبت به میان می‌آورند و آن را از بعد اقتصادی مورد تحلیل قرار می‌دهند. به عقیده آنها جهانی شدن اقتصادی حرکت تازه‌ای نیست و قدمت طولانی دارد. زمانیکه کشورهای توسعه یافته به فکر توسعه فعالیت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری در اقصی نقاط جهان افتادند که این روند با پیشرفت فناوری و سیاست‌های آزادسازی اقتصاد تسریع شد. البته که جهانی شدن اقتصادی نیز دارای ویژگی‌هایی نیز هست که می‌توان به آن اشاره کرد.

مهمترین ویژگی‌های جهانی شدن اقتصادی، برداشتن موانع ملی امور اقتصادی، گسترش بین‌المللی فعالیت‌های تجاری، مالی، تولیدی و رشد فزاینده قدرت شرکت‌های فراملیتی و نهادهای ملی بین‌المللی در این فرایندها است در حالیکه جهانی شدن اقتصادی به ویژه با تمرکز بر تجارت و سرمایه‌گذاری فزاینده در چند کشور فرایندی نابرابر می‌باشد، اما تقریباً همه کشورها بطور چشمگیری تحت تأثیر این روند قرار گرفته‌اند. اما افرادی نیز مانند آنتونی گیدنز جامعه‌شناس معروف انگلیسی هستند که جهانی شدن را در بستر مدرنیته معنا کرده و مدرنیته را پیش شرط و مقدمه جهانی شدن می‌دانند. گیدنز جهانی شدن را صرفاً پدیده اقتصادی ندانسته و آن را تغییر شکل زمان و مکان تفسیر می‌کند؛ چرا که ذات مدرنیته را بعنوان مقدمه جهانی شدن، رهایی از قید مکان و بسط و گسترش فرامکانی می‌داند.

گیدنز در تبیین جهانی شدن می‌نویسد: «جهانی شدن حاصل برهم خوردن نظم سنتی فضا و مکان است که بواسطه جدایی فضا و زمان از مکان پدید می‌آید. این فضا و زمان جدا شده از مکان، در گستره‌ای نامتناهی با یکدیگر ترکیب و هماهنگ شده، امکان کنش و روابط اجتماعی را در جامعه‌ای بسیار بزرگتر فراهم می‌کند» (گل محمدی، پیشین: ۵۱).

مفهوم جهانی شدن در فرهنگ علوم اجتماعی «نلسون» اینگونه تعریف شده است: «جهانی شدن عبارتست از روند گسترده بین‌المللی شدن ارتباطات و سازمان‌های اقتصادی و تجاری که در حوزه اقتصاد آن را می‌توان در موافقت‌نامه‌های تجاری بین‌المللی و افزایش گسترده میزان تجارت بین‌المللی و رشد وابستگی متقابل بررسی کرد» (ساعی، ۱۳۸۷: ۷۵-۷۴). عده‌ای نیز جهانی شدن را فرایندی می‌دانند که در آن نهادهای اصلی

تجدد غرب مانند لیبرالیسم، آزادی تجارت و اقتصاد بازار آزاد، نوع و شکل حکومت، سکولاریسم، صنعت-محوری و گسترش ارتباطات و ... به سراسر جهان کشیده می‌شود و جوامع را در همه ابعاد تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این میان عده‌ای جهانی‌شدن را پروسه می‌دانند که بطور خودکار در حال شدن است و بعنوان روندی همه‌گیر جهانی را در بر گرفته است و عده‌ای دیگر آن را پروژه دانسته که توسط کشورهای سرمایه‌داری و منفعت‌طلب، طراحی شده و به کشورهای دیگر تحمیل و اشاعه داده می‌شود.

به نظر می‌رسد پیامدهای جهانی‌شدن در حوزه فرهنگ، هویت، ارزش‌ها و روابط اجتماعی از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است که باعث ایجاد هویت‌های جمعی، خودآگاهی‌های سیاسی جدید، روابط بین‌ذهنی و فضای جدیدی از روابط فرهنگی و اجتماعی می‌شود و نزدیک شدن اذهان به سیال شدن هویت‌ها می‌انجامد. نکته بسیار مهمی که در تعریف جهانی‌شدن باید به آن توجه کنیم، زاویه دید پژوهشگران در تعریف مفهوم جهانی‌شدن است که از منظر اقتصاد سیاسی و یا سیاست بین‌الملل و یا از منظر فرهنگ و تمدن آن را تعریف می‌کنند (اشرف نظری و باقری، ۱۳۹۱: ۶۸-۶۷). در مجموع جهانی‌شدن فرایندی است که بواسطه آن تعامل میان جوامع و دولت‌ها در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گسترده‌تر و متراکم‌تر گردیده است. بگونه‌ای که تغییر در بخش‌هایی از جهان موجب تغییر و اثرگذاری در دیگر بخش‌های جهان در مقیاس‌های جهانی، منطقه‌ای، ملی و محلی می‌گردد. یعنی جهانی‌شدن موجب نوعی رابطه متعامل بین ۴۵ مرجع‌های فردی و ملی با مرجع‌های فراملی و جهانی گردیده است (لطفی و نادمی، ۱۳۸۵: ۱۲۲).

از آنجا که در این مقاله تأکید ما بیشتر بر روی نقش این روند بر توسعه فرهنگی کشور است، تمرکز اصلی بر فهم مولفه‌های فرهنگی و هویتی جهانی‌شدن می‌باشد. این فرایند بصورت مداوم و مستمر در جریان بوده و تمامی ابعاد زندگی انسان را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. در سطح فرهنگی، جهانی‌شدن پلورالیسم را به مبارزه می‌طلبد و چالش‌هایی را پیش‌روی کثرت‌گرایی و ارزش‌ها و فرهنگ‌های مختلف ایجاد می‌کند.

جهانی‌شدن و قومیت‌ها

در حالیکه سن سیمون، و آگوست کنت ریشه فرایند جهانی‌شدن و شکل‌گیری جامعه جهانی را در علم و صنعت گسترش طلب آن و تحول ذهنی بشر می‌دانند، دورکیم پدیده‌ای اجتماعی را زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده فروپاشی مرزهای فرهنگی - سیاسی و همگونی جهانی می‌داند. به بیان دیگر، نوسازی با نوعی فرایند انفکاک ساختاری همراه است. تحت تأثیر چنین فرایندی، سنت‌ها تعهدهای جمعی و دیگر عناصر هویت‌بخش محدود مانند ملیت و قومیت جایگاه و اهمیت خود را بیش از پیش از دست می‌دهند. و نفوذپذیری مرزهای بین اجتماعات مختلف افزایش می‌یابد (گل محمدی، پیشین: ۳۳).

ماکس وبر هم با آنکه برای جوامع اروپایی و تمدن غربی ویژگی‌هایی استثنایی قائل بود، نوسازی و تجدد را عواملی بسیار موثر در فرایند جهانی شدن می‌دانست این تأثیر در درجه نخست بواسطه گسترش عقلانیت امکانپذیر است بنابراین از دیدگاه وبر، فرایند عقلانیت چونان حلالی جهانی ساز است که با گسترش آن همه فرهنگ‌ها کم و بیش ویژگی‌های مشترک پیدا می‌کنند. این ویژگی‌های مشترک عبارتند از: غیر شخصی شدن در روابط، پیشرفت فناوری، اهمیت‌یابی تخصص و گسترش کنترل فنی عقلانی بر فرایندهای طبیعی و اجتماعی برخلاف کنت، دورکیم و وبر که به صورتی غیرمستقیم و پراکنده از جهانی شدن بحث کرده‌اند، مارکس با نظریه‌پردازی در مورد نظام سرمایه‌داری، از منطبق فرایند جهانی شدن سخن می‌گوید و از زاویه‌ای متفاوت ولی همچون دورکیم و وبر، تجدد را نظامی جهانی شونده و به گسترش می‌داند از دیدگاه مارکس، برخلاف نظام‌های اجتماعی-اقتصادی پیشین، نظام سرمایه‌داری ذاتاً مایل به تعمیق درونی و گسترش بیرونی است و این امر در منطق انباشت نهفته است. در این نظام، حفظ ارزش و اعتبار سرمایه مستلزم انباشت و تراکم بی‌وقفه است و سرمایه همواره باید بکار گرفته شود.

برخی افراد جهان را روندی و مجموعه فرایندهای پیچیده‌ای می‌دانند که بیشترین ظهور و بروز را در فرهنگ دارد. این روند ضمن کاهش قدرت دولت‌ها و برداشتن مرزهای ملی باعث استقلال فرهنگ از حوزه دولت می‌گردد و در نتیجه موجبات دادوستد تعامل میان فرهنگ‌ها را فراهم می‌آورد که از یک نظر به حاکمیت یک فرهنگ منجر می‌گردد و از زاویه‌ای دیگر به بالندگی و تکامل فرهنگ‌ها کمک می‌کند. (خور، ۱۳۸۹: ۲۳۰). اگر تعریف فوق را که دارای نقاط ضعفی هم هست. پایه قرار دهیم و به تکمیل آن اقدام کنیم. باید افزود: همانطور که گفته شد، خاستگاه جهانی شدن اقتصاد است. در عصر شرکت‌های فراملی که مرز نمی‌شناسند. و سود بیشتر را هدف گرفته‌اند، مرزهای جغرافیایی به دو دلیل کم‌رنگ می‌شوند: نخست آنکه حد و مرز جوامع را شرکت‌های فراملی براساس تقسیم مناطق نفوذ تعیین می‌کنند. و دوم آنکه فناوری‌های اطلاعات مرزها را در نوردیده و این دو بویژه دومی موجب تعامل فرهنگ‌ها می‌شوند. بطور طبیعی در این تعامل، فرهنگ‌های ضعیف و خرده فرهنگ‌ها از بین می‌روند. و فرهنگ قوی‌تر امکان بروز و تسلط پیدا می‌کند. مجموعه این عوامل بر دین، حقوق و سیاست نیز تأثیر گذارده و زمینه‌های حاکمیت ارزش‌های جهانی - و نه بومی و محلی - همچون حقوق بشر را فراهم می‌کند. چنین روندی بی‌تردید موجب سست شدن و در مواردی از بین رفتن حاکمیت دولت‌ها می‌شود. تضعیف حاکمیت دولت‌ها و توجه ویژه جوامع به فرهنگ خودی موجب رشد نوعی تعلق به خود و گروه خود می‌گردد و این نوعی قوم‌گرایی، منطقه‌گرایی و گریز از مرکز را در جوامع چندقومی فراهم می‌سازد در عصر جهانی شدن همه انسان‌ها در تلاش برای دستیابی به هویت خود هستند و این نیز بر رشد احساسات قومیت‌خواهی تأثیر می‌گذارد.

قومیت‌ها و امنیت ملی

امنیت، اصطلاحی است مشعر بر فقدان تهدید بر ارزش‌های نادر. وضعیتی است که در آن ارزش‌هایی که از دید تصمیم‌سازان برای بقا و بهتر زیستن جامعه حیاتی است، مورد حمایت و تقویت قرار می‌گیرند. تاریخ جهان در قرن بیستم جنبش‌های قومی و دسته‌جمعی متعددی را در کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه شاهد بوده است. هرچند مدرنیزاسیون با توجه به تناقضات ذاتی میان توسعه نامتوازن و افزایش آگاهی‌های قومی، موجب تشدید منازعات قومی شده است. در این خصوص نویسندگان سنتی نظریه «گزینش عقلانی» استدلال می‌کنند که جنبش‌های قومی و دسته‌جمعی در صورتی تشکل می‌یابند که تعداد قابل قبولی از افراد به مشارکت در آن توافق کنند و همچنین مشروط به این نکته که نپذیرند منافع حاصل از این مشارکت از مضرات آن بیشتر است. جنبش‌های قومی به دنبال بحران‌های بزرگ سیاسی و اقتصادی یک ملت صورت می‌گیرند و ممکن است به یکی از چهار شکل زیر باشد:

نهیضت‌های خودمختاری، نهیضت‌های جدایی‌طلب، طغیان‌های محلی و سیاست‌های انتخاباتی (مختارزاده (ب)، ۱۳۸۰).

جمهوری اسلامی ایران از بدو تاسیس تاکنون موارد متعددی از ناامنی‌های قومی را در مناطق مختلف کشور تجربه کرده است. هرچند این حرکت‌ها در برخی مناطق همچون کردستان، سیستان و بلوچستان، تبریز، خوزستان، ترکمن صحرا و ... با تدبیر، اقتدار و فداکاری مهار شده است، اما واقعیت نیروها و پتانسیل قومی تهدیدآمیز در کشورمان چیزی نیست که مورد غفلت قرار گیرد، زیرا قومیت از دیرباز در بعد امنیتی حائز اهمیت بوده و باید با حساسیت ویژه مورد کنکاش قرار گیرد و از آسیب‌شناسی این پدیده نباید به آسانی گذشت.

جهانی شدن و امنیت ملی

امروزه در دنیای جهانی شده، امنیت ملی با سطوح فردی، منطقه‌ای و بین‌الملل در ارتباط است و بدون آن محقق نمی‌شود. یک عامل مهم در امنیت سیاسی، فرهنگی این است که خود تهدیدها، اغلب موجب تقویت و تحکیم همان هویت‌های مورد تهاجم می‌گردد. چنانکه درجه وفاداری نسبت به برخی باورها نیز احتمالاً در واکنش به فشارهای خارجی افزایش می‌یابد (ماندل، ۱۳۸۰: ۴۹). دولت برای تحقق امنیت نیاز به وضعیتی دارد که جامعه به سطح قابل قبولی از اطمینان برای تحصیل و پاسداری از منافع ملی‌اش دست یافته باشد. جامعه ما دارای امتیازاتی است که باعث توسعه سیاسی گردید و همچنین حکومت همگام با تغییرات و تحولات دست به تغییر و تحول جهت دستیابی به ثبات و دوام زده است. این شاخص‌ها هرچند وجود داشته

و به ماهیت تحولات ساختار اجتماعی جامعه مرتبط بوده است اما جهانی شدن باعث آگاهی و توجه به آنها شده است و نظام چندقطبی‌اش ناشی از جهانی شدن به ما کمک می‌کند که بدور از سلطه تک‌قطبی یا دوقطبی به تلاش جهت انطباق توانایی‌های خود را نظام بین‌الملل برآمده است. در روند جهانی شدن کشورهایی که نتوانند خود را با شرایط جهانی وفق دهند محکوم به نابودی هستند چرا که وسایل و نهادهای غیردولتی با دور زدن حکومت‌ها به مردم آگاهی داده و آنها را به تحرک وادار می‌کنند یا دولت‌هایی که آگاهانه می‌کوشند جهان را بگونه‌ای که بود مجدداً مستقر کنند به حاشیه رانده می‌شوند یا می‌کوشند از طریق تلاش‌هایی برای حصار کشیدن به دور خود به درجه‌ای از خودبسندگی دست یابند که اکثراً موفق نمی‌شوند.

در این صورت به گفته اندیشمندان حوزه جهانی شدن دولت-ملت از بین می‌روند. اما کشورهایی که از دولت و ملتی قوی برخوردارند قادر خواهند بود تندبادهای جهانی شدن را با موفقیت پشت سر بگذارند. چنین دولت‌هایی در عرصه جهانی می‌توانند به بازیگری فعال تبدیل شوند. به عقیده «باری بوزان» کشورهایی که دارای «قدرت محدود» ولی «انجام و پشتوانه مردمی» داشته باشند هرچند دامنه حاکمیت ملی کاهش می‌یابد ولی این کشورها فعالانه وارد بازی جهانی شدن می‌گردند و آگاهانه نسبت به سازوکارهای آن عکس-العمل نشان می‌دهند و دارای «مزیت» خواهد بود. دولت‌های یاد شده با تن دادن به اصطلاحات رفتاری موجودیت خود را در تحولات آتی همچنان با استحکام و اقتدار حفظ خواهند کرد. این دولت‌ها که برخوردار از بالاترین و ارزشمندترین سرمایه اجتماعی یعنی انسجام ملی هستند مناسب‌ترین وضع را در مواجهه با جهانی شدن خواهند داشت. جمهوری اسلامی ایران در همین قسم از دولت‌ها قرار دارد که بخاطر پشتوانه مردمی نه تنها زوال‌پذیر نیست بلکه به همراهی و ایفای نقش در روند جاری می‌پردازد.

اندیشه «مردم‌سالاری دینی» امکانات و پتانسیل لازم و منطقی را برای مواجهه فعالانه با شاخص‌های مطرح شده از سوی طرفداران جهانی شدن داراست. شیوه مردم‌سالاری دینی متضمن پویایی‌های فراوانی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران است بنحویکه آن را برخوردار از توانایی «انعطاف» و «انطباق» با شرایط متغیر، متحول بیرونی و بین‌المللی می‌سازد. برای ساختارهای مردم‌سالارانه تنها تهدید نیست بلکه فرصت بالقوه نیز فراهم می‌سازد. هرچند اجماع کلی در مورد مردم‌سالاری دینی از طرف نخبگان وجود ندارد و جامعه دچار انتخاباتی است اما در حال ثبات یافتن می‌باشد تا بتواند ضمن آرامش و تعادل و انرژی و تحرک هرچه بیشتر و با استفاده از محیط جدید بین‌المللی ضمن کمال‌جویی در توسعه سیاسی، از فرصت‌های موجود نهایت بهره‌برداری را به عمل آورد. چراکه ما مسالمت‌جوتر از همسایگان در منطقه خلیج فارس هستیم

بنابراین انعطاف‌پذیر عمل می‌کنیم. دولت می‌تواند با تکنولوژی‌های ارتباطی بر قدرت خویش بیفزاید با دولت‌های همسطح به تشکیل ایده‌های مشترک دست بزند و در نهایت با جو اقتصادی حاکم بر جهان به همکاری بیشتر اقدام کند تا در مقابل تهدیدات دچار ضربه‌پذیری می‌شود (مختارزاده (الف)، ۱۳۸۳: ۸۴).

سیاست خارجی امروزه در ارتباط با جهان دچار تغییرات سیاسی شده است که ما را به اهداف نزدیک‌تر می‌کند. اقداماتی نظیر تنش‌زدایی با شعار «عزت، حکمت و مصلحت» نگرش «دیپلماسی تجاری» به روابط بین‌الملل بجای سیاست و ایدئولوژی صرف، ایجاد ارتباط با ملل مختلف و ایفای نقش‌های متعدد و

این تغییرات در طی دو دهه گذشته نظیر گروگان‌های امریکایی، جنگ تحمیلی، بحران خلیج فارس و افغانستان، دستگاه دیپلماسی را عمیقاً ورزیده و مستحکم نموده است. بنابراین جمهوری اسلامی با برخورداری از شاخص‌های متعدد انسجام ملی موقعیت استراتژیک، ذخایر غنی نفت و گاز، شور و حرارت ایدئولوژیک، میل شدید به استقلال‌خواهی، بازار اقتصادی وسیع، نسل انقلاب دیده، طعم جنگ چشیده، تجربه تاریخی، فرهنگ و ادب غنی، نسل جوان تحصیل کرده و ... نه تنها در حال قوام بخشیدن به مردم‌سالاری دینی است بلکه اغراق نخواهد بود اگر بگوییم «هژمون منطقه‌ای» و یکی از بازیگران بالقوه عرصه جهانی می‌باشد. چراکه از مهمترین خصلت یک موجود زنده، یعنی تغییر و دگرگونی برخوردار است و مطابق نظام بین‌الملل حرکت می‌کند (حق‌پناه، ۱۳۹۰: ۵۶).

زمینه تاریخی تنوع قومی در ایران

کشور ایران در طول سه هزار سال گذشته همواره شاهد یورش و تاخت و تاز اقوام گوناگون و استقرار آنها در این سرزمین بوده است. مهمترین پیامد این یورش‌ها آن است که تمام زبان‌ها، گویش‌ها، ادیان و مذاهب کنونی در ایران غیربومی‌اند که به وسیله اقوام غیربومی به این سرزمین راه‌یافته‌اند. در بررسی تاریخ پرفراز و نشیب ایران متوجه این واقعیت می‌شویم که این سرزمین از سه هزار سال پیش به این سو، دستکم شش بار به شرح زیر مورد تهاجم قرار گرفته است:

- ۱- مهاجرت و تهاجم مادها و پارس‌ها در هزاره اول پیش از میلاد که منجر به استقرار زبان‌های آریایی، دین زرتشت و دیگر عناصر فرهنگی چون نوروز و آداب و رسوم ایرانی شده است.
- ۲- یورش یونانیان در قرن چهارم پیش از میلاد که زبان، دین و فرهنگ آنها پایدار مانده است.
- ۳- یورش اعراب مسلمان در ابتدای قرن اول هجری که با تسخیر ایران و جایگزینی اسلام به جای دین زرتشت، تغییرات زیادی در تمام زمینه‌ها صورت گرفت. در واقع استقرار اسلام در ایران باعث تلفیق بعضی از آداب و رسوم و شکل‌گیری فرهنگی متفاوت از فرهنگ سنتی ایرانی شده است.

۴- یورش ترکان سلجوقی در قرن پنجم هجری و بعداً تهاجم تیمور لنگ و در نهایت استقرار ترکان در ایران، باعث استقرار و گسترش زبان ترکی در ایران شده است (امیراحمدی، ۱۳۷۷).

۵- یورش قوم مغول در قرن هفتم هجری سبب ویرانی ایران شد، اما چون مغولان نسبت به ادیان دیگر بی‌تفاوت بودند، هیچگونه اقدامی در تحمیل اعتقادات دینی خود در سرزمین‌های تسخیر شده به عمل نیاوردند، به استثنای بعضی از واژه‌های مغولی، آثاری از زبان، دین، و آداب و رسوم مغولی باقی نمانده است. بنابراین مغولان نقشی در تنوع قومی - فرهنگی در ایران نداشته‌اند، اما ویژگی‌های نژادی آنها در گوشه و کنار دیده می‌شود. بازماندگان قوم مغول اکنون به زبان غیرمغولی صحبت می‌کنند و مسلمان می‌باشند. اما نکته اساسی درباره یورش‌های یاد شده آن است که به استثنای یورش یونانیان سایر یورش‌ها به وسیله اقوام کوچ‌نشین صورت گرفته‌اند. براین اساس، می‌توان گفت که زبان‌ها، گویش‌ها و نیز ادیان مزدایی و اسلام که اکنون دین غالب در ایران محسوب می‌شوند، به وسیله ایلات کوچ‌نشین وارد ایران شده‌اند. بدون تردید کوچ‌نشینان مهمترین نقش را در گوناگونی قومی- فرهنگی در طول سه هزار سال گذشته در ایران ایفا کرده‌اند. برای مثال، کشور کنونی ترکیه تا پیش از استقرار قبایل ترک کوچ‌نشین، دارای فرهنگ غربی بوده و مردم آن عیسوی بودند. اما ترک‌ها به تدریج زبان، دین، آداب و رسوم آن دیار را تغییر دادند بطوریکه اکنون نه تنها نام امپراتوری بیزانس به ترکیه تبدیل شد؛ بلکه زبان ترکی جایگزین زبان‌های یونانی و لاتین شد و اسلام نیز جای مسیحیت را گرفته است (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۴۸).

بررسی رویدادهای تاریخی این حقیقت را آشکار می‌سازد که قبایل ترک-مغول پس از سقوط ساسانیان و در دوره اسلامی، بسیاری از مناطق کنونی چون ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و ترکیه را تصرف کردند و نیز در مناطق وسیعی از ایران، عراق و افغانستان سکونت یافتند. قبایل کوچ‌نشین همواره به دو دلیل عمده، از نیروی نظامی توانمندی برخوردار بوده‌اند. دلیل اول در شیوه زندگی آنهاست. که مبتنی بر پرورش دام و بهره‌گیری از مراتع طبیعی است که باید جهت دستیابی به مراتع کوچ می‌کردند. این شیوه معیشت موجب شده است کوچ‌نشینان در چادرهای یک قابل حمل‌اند زندگی کنند. از آن گذشته زندگی کوچ‌نشینی توأم با تحرک است. روی هم رفته کوچ‌نشینان مردمی فعال و دارای روحیه نظامی و بردبار می‌باشند. دلیل دوم ساختار اجتماع-سیاسی کوچ‌نشینان است که مبتنی بر نظام قبیله‌ای است. اعضا در این نظام دارای منافع مشترک می‌باشند و در مقابل دشمن به صورت نیروی واحدی عکس‌العمل نشان می‌دهند. نظام قبیله‌ای باید با وفاداری کامل اعضا همراه باشد. افزون بر این، چنین نظامی، قابل گسترش است بطوریکه جمعیت بعضی از ایلات گاهی از صدها هزار نفر تجاوز می‌کند. به هر روی شیوه زندگی کوچ‌نشینان عامل مهمی در شکل‌گیری تشکیلات سیاسی-نظامی آنها بوده است. کوچ‌نشینان به علت داشتن تشکیلات سیاسی-نظامی ویژه توأم با شجاعت و بی‌باکی، از توان نظامی بسیار بالایی برخوردار بوده‌اند. این ویژگی زمینه‌ساز کشورگشایی و تاخت و

تاز آنها به نقاط دور دست را فراهم کرده بود و در نتیجه عامل مهمی در گسترش فرهنگ یا عناصر فرهنگی چون زبان، دین و ... بوده‌اند و از این جهت نقش مهمی را در گوناگونی قومی در کشورمان ایفا کرده‌اند (احمدی، ۱۳۸۹).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی عصر جهانی و تأثیر گرایش‌های قومی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. ابتدا به مباحث نظری در مورد جهانی شدن پرداخته شد، سپس به مقوله قومیت و تأثیر آن در امنیت ملی با توجه به مسئله جهانی شدن پرداخته شده است. جنبش‌های دسته جمعی به صورت بالقوه شامل عناصر عینی مانند: نابرابری بین اقوام از لحاظ اقتصادی-اجتماعی و مشارکت سیاسی و متغیرهای ذهنی مانند: امیال جمعی قوم برای احیای هویت گروهی، نمادهای فرهنگی‌اش، تمایزهای منزلتی و ایدئولوژیکی بین اقوام می‌گردند. این خواست‌ها مشروعیت منافع رقیب را می‌پذیرند و نیاز به تعامل دوجانبه با حکومت را تصدیق می‌کند این امر خود، با افزایش ناراضی‌های قومی دسته‌جمعی، شرایطی را فراهم می‌کند که به شکل‌گیری سازمان‌های سیاسی قومی منجر می‌شود.

تنوع ملی در اثر مرزبندی‌های قومی، نژادی، زبانی یا مذهبی بیانگر واقعیت‌های جوامع در اکثر کشورهای ۵۱ جهان سوم است. تنوع ملی می‌تواند منبع قدرت و غرور ملی یا منبع شکاف و منازعه - با توجه به وضعیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی اقلیت‌ها در ساختار یک کشور باشد. اگر تنوع قومی و حقوق اقلیت‌ها موضوعاتی هستند که توانایی دموکراسی و آزادی‌های مدنی در غرب را به بوته آزمایش می‌گذارند، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بنیاد حکومت و اتحاد ملی را به لرزه در می‌آورند؛ و در برخی مواقع به بروز جنگ‌های داخلی، پاکسازی قومی و نسل‌کشی و حتی تجزیه کشور منجر شده‌است. شکل‌گیری سازمان‌های سیاسی قومی نیز متأثر از عوامل عینی و ذهنی می‌باشد.

موقعیت جغرافیایی اقوام معادل امنیت ملی را پیچیده‌تر کرده است. اقوام مختلف و اقلیت‌های مذهبی در حساسترین حوزه‌های راهبردی کشور و جداره‌های مرزی اسکان یافته‌اند که عقبه آنان در ورای مرزها و بیرون از حوزه نفوذ و اثرگذاری حاکمیت ملی قرار دارد، متأسفانه شیب برخی از این حوزه‌ها به خارج از کشور است و از ابعاد ذیل موجب تهدید و آسیب‌شناسانه تلقی می‌شوند. به لحاظ ارتباط و پیوند حوزه‌ها به خارج از مرزها، هرگونه چالش و بحران بیرونی نیز به سادگی به داخل مرزها سرایت می‌کند و در نتیجه امکان نظارت و تعهد حاکمیت ملی به شدت تقلیل می‌یابد و نهایتاً دولت جمهوری اسلامی ایران را به صورت بالقوه با پدیده

ایردنتیسم یا جنبش استقلال‌طلبانه‌ای که خواستار الحاق به نیمه جدا شده خویش در آن سوی مرز است، مواجه خواهد ساخت.

امروزه بخشی از اقوام ترک، کرد، بلوچ و عرب در ایران و بخشی از آنها در مناطق دیگر کشورها ساکن هستند. هرچند وجود این اقوام در همسایگی ایران می‌تواند موجب نفوذ فرهنگی ایران شود، اما به صورت معکوس موجب دخالت بیگانگان در امور داخلی ایران شده است و معمولاً افکار ناسیونالیستی و تجزیه‌طلبی از همین مناطق وارد می‌شود. وجود کانون‌های فعال بحران‌های قومی و مذهبی در جداره‌های همسایگان ایران مثل هندوستان، گرجستان، روسیه، لبنان، فلسطین اشغالی و دیگر نقاط خاورمیانه ممکن است کل منطقه را در شعله‌های آتش فتنه غوطه‌ور ساخته و به سرعت با بحران‌های واگرایی قومی - مذهبی مواجه سازد. مسئله تکثر قومی و مذهبی کشور زمانی که با اهداف و مطامع استعماری بیگانه و دشمنان همراه شود از اهمیت و حساسیت فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌شود و ناهمگونی فرقه‌ها و اقلیت‌های قومی و مذهبی از مهمترین ابزارهای آنها محسوب می‌شود.

شکاف‌ها و تعارض گروه‌های متنوع نقش مهمی در میزان ثبات با ایجاد بی‌نظمی و ناامنی کشور دارد. این شکاف‌ها و تعارضات ممکن است متقاطع یا موازی، فعال یا غیرفعال، واحد یا متعدد باشند. تعداد گروه‌ها، موازی بودن آنها و فعال شدن شکاف‌ها موجب اختلاف با سایر مناطق و دولت مرکزی و در نتیجه بی‌ثباتی و ناامنی می‌گردد که در ایران قابل مشاهده است، زیرا در اغلب مناطق قومی‌نشین کشور، تضاد قومی و نژادی با تضاد زبانی و تفاوت مذهبی همراه است، بالطبع اگر این تضادها فعال شود و شکاف‌ها عمیق گردد موجب ناامنی خواهد گردید. از طرفی جهانی شدن امکان تعامل و ارتباط گروه‌های قومی با یکدیگر را از طریق شبکه‌های مجازی و ارتباطی نوین به راحتی فراهم ساخته، و احتمال شکل‌گیری هویت‌های مقاومت در حوزه اقوام و اقلیت‌ها و بروز چالش‌های جدی را برای کشور افزایش می‌دهد، بیش از گذشته ضرورت دارد.

اتخاذ رویکردهای اجتماعی و فرهنگی در باب مسائل مرتبط با قومیت‌ها و اقلیت‌ها که از جنس مسائل اجتماعی و فرهنگی‌اند، بسیار راهگشاست. باید توجه نمود که چنانچه در حوزه اقوام و اقلیت‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و خط‌مشی‌های اصولی و متناسب با تکثر و تنوع قومی و مذهبی ایران لحاظ گردد، این تکثر و تنوع نه تنها تهدیدی برای کشور نیست، بلکه می‌تواند فرصت‌سازی‌های مناسبی برای پیشرفت و توسعه همه‌جانبه، پایدار و فراگیر ایران را به دنبال داشته باشد.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- احمدی، حمید (۱۳۷۹)، «قومیت و قوم‌گرایی در ایران، از افسانه تا واقعیت»، فصلنامه مطالعات ملی.
- ۲- اخترمحقق، مهدی (۱۳۸۶)، **جهانی‌شدن**، چ ۱، تهران: انتشارات مولف؛ به نقل از: جهانی‌نسب، احمد (۱۳۹۶)، «نقش جهانی‌شدن در توسعه فرهنگی ایران»، **مجله بین‌المللی پژوهش ملل**، دوره ۳، ش ۲۷.
- ۳- اشرف‌نظری، علی و باقری، صمد (۱۳۹۱)، «هویت ایران در فرآیند جهانی‌شدن: ظرفیت‌ها و چشم‌اندازها»، **ماهنامه مهندسی فرهنگی**، س ۶، ش ۶۵؛ به نقل از: جهانی‌نسب، احمد (۱۳۹۶)، «نقش جهانی‌شدن در توسعه فرهنگی ایران»، **مجله بین‌المللی پژوهش ملل**، دوره ۳، ش ۲۷.
- ۴- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۷۷)، «قومیت و امنیت»، مترجم: حسن شفیعی، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، ش ۲.
- ۵- حق‌پناه، جعفر (۱۳۹۰)، «جامعه مدنی و قومیت‌ها در ج.ا. ایران»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، ش ۲.
- ۶- خور، مارتین (۱۳۸۹)، **جهانی‌شدن و جنوب (برخی مباحث انتقادی)**، مترجم: احمد ساعی، چ ۳، تهران: نشر قومس؛ به نقل از: جهانی‌نسب، احمد (۱۳۹۶)، «نقش جهانی‌شدن در توسعه فرهنگی ایران»، **مجله بین‌المللی پژوهش ملل**، دوره ۳، ش ۲۷.
- ۷- ساعی، احمد (۱۳۸۷)، «جهانی‌شدن و رابطه آن با فقر»، **فصلنامه سیاست**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۱؛ به نقل از: جهانی‌نسب، احمد (۱۳۹۶)، «نقش جهانی‌شدن در توسعه فرهنگی ایران»، **مجله بین‌المللی پژوهش ملل**، دوره ۳، ش ۲۷.
- ۸- سلیمی، حسین (۱۳۹۲)، **نظریه‌های گوناگون درباره جهانی‌شدن**، چ ۴، تهران: انتشارات سمت؛ به نقل از: جهانی‌نسب، احمد (۱۳۹۶)، «نقش جهانی‌شدن در توسعه فرهنگی ایران»، **مجله بین‌المللی پژوهش ملل**، دوره ۳، ش ۲۷.
- ۹- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱)، **جهانی‌شدن فرهنگ، هویت**، تهران: نشر نی.
- ۱۰- لطفی، نقی و نادمی، داوود (۱۳۸۵)، «جهانی‌شدن و ایران (ارزیابی جایگاه ایران در فرآیند جهانی‌شدن)»، **مجله علوم اجتماعی**، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد؛ به نقل از: جهانی‌نسب، احمد (۱۳۹۶)، «نقش جهانی‌شدن در توسعه فرهنگی ایران»، **مجله بین‌المللی پژوهش ملل**، دوره ۳، ش ۲۷.
- ۱۱- ماندل، رابرت، **چهره متغیر امنیت ملی**، تهران: انتشارات پژوهشکده راهبردی.
- ۱۲- مختارزاده (الف)، علی (۱۳۸۳)، «قومیت در ایران»، **نشریه سیاسی، فرهنگی اجتماعی**، ش ۷.
- ۱۳- مختارزاده (ب)، علی (۱۳۸۳)، «ابعاد امنیتی قومیت در ایران»، **نشریه سیاسی، فرهنگی اجتماعی**، ش ۹.
- ۱۴- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)، **تحولات قومی در ایران: علل و زمینه‌ها**، تهران: موسسه مطالعات ملی.

لاتین:

1- Brown, Micheal (1993). *Ethnic and Conflict and International Security*. New Jersey. *Princeton university press*.

